

روزنامه فرهنگ و هنر

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



نقش زن در سینمای دهه هشتاد

زنان و کشاکش گذار تاریخی سنت به مدرنیته

ارغوان، تبریزی با فیلم مارمولک، درویش با فیلم دوئل و پرویز شهبازی با فیلم نفس عمیق بودند. در دهه هشتاد با وجود فعالیت و آثار سینماگران ارزشی مانند حاتمی کیا، مجیدی و ملاقلی پور، اکثر آثار سینمایی ساخته سینماگران متمایل به سیاست‌های دولت و اصلاح طلبان بود. گرچه احمدی نژاد از سال هشتاد و چهار تا نود و دو، رئیس جمهور کشور بود، ولی تغییرات محسوس محتوایی در تولیدات هنری و سینمایی مشاهده نشد و سینما همچنان کجدار و مریز حرکت می کرد. سینمای ایران که بنا بود در مسیر ارزش‌ها و آرمان‌ها، تریبون و آینه زندگی، آمال و فرهنگ ایرانیان باشد و مخاطبان سینما و خانواده‌ها، خود و زندگی و نیازها و خواسته‌های‌شان را در فیلم‌های سینمایی ببینند، مدت‌ها بود که دیگر کمتر به سینما می رفتند، چرا که آنچه در فیلم‌ها بود، زیاد مطلوب آن‌ها نبود و زنان و خانواده‌هایی که در سینما تصویر می شدند، بیشتر غربی بودند تا ایرانی و اغلب فیلم‌ها هم سطحی و گیشه‌ای و به دور از محتوای مناسب خانواده‌ها و خانم‌ها بودند. سینما به پاک و سالم‌سازی و تحولات مدیریتی و ساختاری و محتوایی نیاز داشت. آیا این انتظارها در دهه نود، محقق می شد یا... مشکل، فقط تغییر دولت‌ها نبود، نگاه‌ها باید متحول می شد و اداره امور فرهنگی و هنری و سینمایی به اهل آن واگذار می گردید و از وضعیت جزیره‌ای خارج می گشت و ولنگاری فرهنگی به سامان یابی فرهنگی تغییر می یافت. افراد و جریان‌های بسیاری مدعی ایجاد این تحولات بودند، ولی در عمل، نشان دادند که شناختی از هنر و فرهنگ و خانواده هنرمندان و نیازهای فرهنگی و اجتماعی مردم ندارند و اهل بازی‌های سیاسی و تجاری‌اند. عده‌ای جناح‌های سیاسی را در نابسامانی فرهنگ و سینما، مقصر می دانستند، اما مشخص شد که آن‌ها هم نگاه ابزاری به هنر و فرهنگ و سینما داشته‌اند. اینگونه بود که حال سینما بدتر شد تا آنکه بعد از بلواهای سال‌های قبل، کسانی پیدا شدند و گفتند، کلید حل مشکلات کشور در دست‌های ما است و ملت و اهالی هنر گوش بزننگ شدند تا ببینند، کلیدداران در دهه نود با کشور و اقتصاد و سیاست و فرهنگ و سینما چه می کنند. آیا به راستی کلیدداران برای باز کردن قفل‌های درهای بسته به روی فرهنگ و باورهای مردم و باز گرداندن عزت و حرمت زنان و خانواده‌ها و گشایش موانع سر راه سعادت‌مندی خانواده‌های ایرانی نیز کلید داشتند؟ یا...

یافتند. گرچه هنوز و همچنان سینماگران انقلابی و دفاع مقدسی، به فعالیت در سینما می پرداختند، لیکن، در حد قابلیت‌های خود و فیلم‌های‌شان دیده نمی شدند. در چنین فضا، تولیدات سینمایی زنان سینماگر در مقام‌های فیلمساز و بازیگر و هنرمند، رنگ و بوی دیگر به خود گرفت و دفاع از زنان و مقام آنها در فیلم‌ها با الگوگیری از جوامع و زنان غربی، هسته پنهان و آشکار فیلم‌های زن محور و متجدد نماهای سینما شد و تا بدانجا دامنه یافت که فمینیسم غربی در عوض دفاع از حریم و حرمت و آزادی زنان، منطبق با آیین‌های ملی و دینی در هنر و سینما، قد کشید و در امتداد خط اصلی فرهنگ مداری سینما، بیراهه‌ها ایجاد کرد. سینما در دهه هشتاد، همچنان پر تب و تاب و جنبش و هیاهو بود. در این دهه، سینماگرانی مانند: رضا میر کریمی، ناصر تقوایی، پرویز شهبازی، کیومرث پوراحمد، بهمن فرمان آرا، کمال تبریزی، مجید مجیدی، خسرو معصومی، احمد رضا درویش، کیانوش عیاری، حمید نعمت‌الله، اصغر فرهادی، حسن فتحی، ابراهیم حاتمی کیا، داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی، فریدون جیرانی، رسول ملاقلی پور و... مطرح بودند و در میان زنان سینماگر رخشان بنی اعتماد با فیلم‌های گیلانه و خون بازی و تهمینه میلانی با آثار سوپرستار و نیمه پنهان در سینما جلوه کردند. تولید انواع فیلم‌های کمدی، خانوادگی و اجتماعی و معناگرا و جوانانه و عاشقانه، بارویکرد انتقادی، نمای عمومی آثار سینمایی دهه هشتاد بود و با آنکه، حال و هوای زندگی و خانواده‌های ایرانی در فیلم‌های خانوادگی کمتر شده و کاراکترهای جدیدی از زنان در کسوت، خرابکار، خیانتکار، غریب‌گرا و معشوقه و... به داستان‌ها اضافه شده بود، اما هنرمندان زن متعدد، میدان را خالی نکردند. زنان شهر باز دیگر این دهه نیز عبارت بودند از: فاطمه معتمدآریا، نگار جواهریان، هانیه توسلی، رویا تیموریان، آفرین عیسی، پرپوش نظریه، لیلیا حاتمی، ترانه علیدوستی، باران کوثری، رویانوهالی، نیکی کریمی، الناز شاکر دوست، مهتاب کرامتی و... اما مهمترین فیلم‌های دهه هشتاد که به زنان در آن‌ها توجه ویژه صورت گرفته بود، این آثار بودند: به رنگ ارغوان، میم مثل مادر، ارتفاع پست، من ترانه پانزده سال دارم، سنتوری، شب پلدا، بوتیک، جدایی نادر از سیمین، درباره‌الی، چهارشنبه سوری و مهمان مامان. سینماگران متفاوت ساز این دهه، فرهادی با فیلم‌های جدایی نادر از سیمین، درباره‌الی و چهارشنبه سوری، حاتمی کیا با فیلم به رنگ

جبار آذین / منقد و مدرس سینما - ایران از منظر تاریخی، دوران گذار از سنت به مدرنیته را سپری می کند و این برهه تاریخی، الزاماتی دارد که بدون شناخت و تحلیل و پاسخگویی مناسب به الزامات آن، مشکل ساز و بحران آفرین خواهد بود. از آنجا که ایران زمین، کشوری کهن و مهد و یادگار و حافظ آیین‌ها و سنت‌ها و فرهنگ مسلط و بالنده آن ایرانی و اسلامی است، در برابر گذار تاریخی مورد اشاره، از سه زاویه با آن برخورد کرده و اوضاع فرهنگ و هنر و سینما هم، بیانگر این سه نوع تلقی و برداشت و برخورد است. طرفداران نظریه نخست، افرادی هستند که تنها به سنت‌ها می اندیشند و خود را مدافع آیین‌های مختلف می دانند و چندان میانه‌ای با مدرنیته ندارند و خواهان سبک زندگی سنتی هستند. گروه دوم، شیفتگان مدرنیته‌اند و به آیین‌ها و سنت‌ها پشت پا می زنند و بر برخی حتی عنایتی به ادیان الهی ندارند و قبله گاهشان غرب است. طیف سوم، کسانی هستند که معتقد به ایجاد پل همزیستی مسالمت‌آمیز میان سنت و مدرنیته‌اند. هر سه نگاه، خود را در تولیدات سینمایی و تفکرات سینماگران بروز داده‌اند. در دهه هشتاد که دو نیمه آن با دوران دور رییس جمهور مصادف بود، ایران با تغییرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کم و بیش متفاوت همراه بود و عنوان می شد که کشور باید در تمام عرصه‌ها به روز و متحول شود و ظهور و توسعه فن آوری و گسترده شدن جهان ارتباطات، ضرورت همگامی کشور با جهان را در دستور کار مدیران و مسوولان و مردم قرار می دهد. اما این مهم، همچنان از مناظر سه گانه پیش گفته عبور می کرد و سبب ایجاد واکنش‌ها می شد. این همه در حالی بود و هست که هواداران هر سه نظریه، از امکانات فن آوری در خانه، جامعه و کشور استفاده می کنند. در حوزه سینما هم با تغییر دولت‌ها و تعویض مسوولان فرهنگ، هنر و سینما، همان نگاه‌ها متجلی بود و اغلب متولیان سینما، بیش از فرهنگ به عرصه سیاست تعلق داشتند و به جای ترویج و تبلیغ فرهنگ و فرهنگساز و پاسداری از فرهنگ کشور، مجری سیاست‌های دولتی بودند و میانه‌ای با هنر و اهالی هنر نداشتند. به عبارتی سیاست‌های سینما و جماعتی از سینماگران استفاده ابزاری کرده و آن‌ها را در فعالیت سیاسی دخالت دادند و از توجه به امور هنری و صنفی باز داشتند. به همین دلایل هم هنر و سینما دچار معضلات فراوان شدند و سیاست و رفاقت، جایگزین فرهنگ شده و سینما و تولیدات آن، گرایش لیبرالی و تجاری و گیشه‌ای



به زودی در سینماهای سراسر کشور

EXPEDIENCY
حسنین دارابی
محمد رضا شفا

